

بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: ساکنان بالای ۱۸ سال شهر کرمان)

سوده مقصودی^۱، محمدحسن شمس‌الدینی مطلق^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناخت رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن با امنیت اجتماعی است. روش تحقیق، توصیفی- تبیینی و از نوع پیمایش است و با استفاده از پرسش‌نامه همراه با مصاحبه صورت پذیرفته است. جامعه‌ی آماری تحقیق، ساکنان بالای ۱۸ سال شهر کرمان بوده که با بهره‌گیری از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار Spss16 و برای بررسی فرضیات از آزمون پیرسون، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است. بر پایه‌ی یافته‌های تحقیق، امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان در حد متوسط است و بین اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی و شبکه‌ی اجتماعی با امنیت اجتماعی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. این در حالی است که رابطه‌ی معناداری بین عضویت در نهادهای داوطلبانه و هنجارهای بده و بستان با امنیت اجتماعی مشاهده نشده است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داده که در مجموع، متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. به علاوه، بر اساس نتایج تحلیل مسیر، از بین ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی، بُعد اعتماد تعمیم‌یافته و حمایت ابزاری بیش‌ترین تأثیر را بر امنیت اجتماعی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، شبکه‌ی اجتماعی.

smaghsoodi@uk.ac.ir

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده‌ی مسؤول)

Mohamad.shams63@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

امنیت اجتماعی به‌عنوان مفهومی از امنیت، در اروپا پس از جنگ سرد مطرح شد (بیلگین^۱، ۲۰۰۳: ۲۱۱). هنگامی که سخن از امنیت اجتماعی به میان می‌آید، غالباً بر بسترهای اجتماعی امنیت‌بخش تأکید می‌شود. نایملا^۲ و همکاران او، امنیت را امری ذاتی برای انسان، شکلی از نیاز و یک ارزش و حق انسانی می‌دانند. هم‌چنین از دید آن‌ها امنیت، مفهومی چندبعدی است که آن را می‌توان در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... بررسی کرد (هامالاینن^۳، ۲۰۰۴/۲۰۰۵: ۲). مک سوینی^۴ امنیت اجتماعی را فراگردی پویا می‌داند که در ارتباط با هویت و منافع متقابل شکل می‌گیرد (بیلگین، ۲۰۰۳: ۲۰۹).

امنیت اجتماعی، خصلتی جمعی دارد و سطح تحلیل آن به سطح فرد تنزل پیدا نمی‌کند؛ زیرا امنیت اجتماعی به حفظ اشکال پیوستگی‌ای معطوف است که درون واحدهای اجتماعی و در میان آن‌ها جریان دارد (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳). واژه‌ی «اجتماعی» به جامعه و زندگی اجتماعی و نیز ایده‌ی هم‌بستگی^۵ و هویت مشترک اشاره می‌کند. اگر بپرسیم چه چیزی موجب ناامنی اجتماعی می‌شود، می‌توان گفت امنیت اجتماعی توسط جامعه و حس هم‌بستگی ایجاد شده به‌وجود می‌آید و ناامنی اجتماعی، تجربه‌هایی ناشی از عدم حمایت‌های کافی و فشاری است که در نتیجه‌ی اضطراب و عدم اطمینان ایجاد می‌شود (هامالاینن، ۲۰۰۴: ۲). به‌نظر می‌رسد بقا و تداوم زندگی افراد در گرو امنیت است. نقطه‌ی مقابل امنیت فرد، ناامنی است. اگر موقعیت خود را در بدترین وضعیت ناامن تصور کنیم، نمی‌توانیم به هیچ نیاز دیگری توجه داشته باشیم و در واقع، صرفاً در اندیشه‌ی زنده ماندن و ادامه‌ی حیات خود به بهای نابودی دیگران خواهیم بود.

امنیت در شهرها معلول شرایط اجتماعی-اقتصادی آن‌هاست. تنوع قومی، فرهنگی و اقتصادی در شهرها زیاد است و نمی‌توان همه‌ی مشکلات امنیتی را به خود شهر و کالبد فیزیکی آن نسبت داد؛ یعنی، اگر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ی شهری مناسب باشد، بالطبع، ضریب امنیتی آن نیز افزایش خواهد یافت (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۵). سرمایه‌ی اجتماعی از طریق عواملی چون مشارکت در رفتارهای سالم، حمایت اجتماعی، کاهش عوامل مخلّ روانی، ارتقای

¹ Bilgin² Niemela³ Hamalainen⁴ Mcsweeny⁵ Idea of solidarity

پایگاه اجتماعی ذهنی و عینی و نیز تقویت منابع روحی و روانی مانند اعتماد به نفس و احساس کنترل، به افزایش امنیت افراد منجر می‌شود (سانگ و چانگ^۱، ۲۰۱۲: ۶۵۹).

بیان مسأله

با کاهش امنیت، از آرمان‌های فرد نیز کاسته می‌شود. در واقع، تعالی جامعه و توسعه و رشد اندیشه و استعداد، همگی در عنصر امنیت ریشه دارند. بحرانی بودن احساس امنیت، قطعاً تأثیر مخربی در رفتار شهروندی خواهد داشت و شهروندان را از ایجاد روابط مطلوب و پیشرفت فردی، ناتوان خواهد ساخت (هزارجریبی و حامد، ۱۳۹۱: ۳۱). بر اساس نتایج سازمان بین‌المللی کار، تنها ۲۰ درصد از جمعیت جهان از امنیت اجتماعی کافی برخوردارند، در حالی که بیش از نیمی دیگر، فاقد هر نوع امنیت اجتماعی هستند (همان: ۱). جامعه‌ی جدید شهری و تراکم و تکاثر جمعیت در آن، همراه با تحرک بی‌سابقه‌ی جغرافیایی، موجبات تنهایی و غربت انسان‌ها را درون توده‌ای انبوه، فراهم ساخته و شهرنشینی خسارات جانی بسیاری را رقم زده است؛ به‌گونه‌ای که انواع بیماری‌ها و تصادفات و صور گوناگون تجاوز به جان افراد، موجب بروز نگرانی‌های بسیاری در حیات بشر شده است (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۹۰). جامعه‌ی جدید، علی‌رغم توسعه‌ی عقلانیت در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... و بازاندیشی قواعد و منابع، به امنیت مطلوب نرسیده است. اگرچه این عقلانیت در جهت ایجاد امنیت به‌کار گرفته شده، خواسته یا ناخواسته ناامنی را نیز به همراه داشته است. در جوامعی که مرحله‌ی گذار را پشت سر می‌گذارند، تفکیک نقش و انسجام اجتماعی به‌طور کامل صورت نگرفته و معانی فرهنگی یعنی باورها، هنجارها و ارزش‌ها درونی نشده است؛ در این حالت، بحران هویت به‌وجود می‌آید و جامعه بازگوکننده‌ی کیستی افراد نیست. این عدم نهادینه‌شدن، موجب بروز تعارضات و ناامنی‌ها می‌شود.

امنیت اجتماعی، منبعی حمایتی از سوی جامعه برای اطمینان خاطر شهروندان از دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و تضمین امنیت مالی به‌ویژه برای سالمندان، بیکاران، بیماران، نیازمندان و حوادث ناشی از کار یا از دست دادن نان‌آور خانواده است (سازمان بین‌المللی کار^۲، ۲۰۰۱: ۱).

اهمیت ارتباط سرمایه و امنیت اجتماعی، زمانی آشکار می‌شود که شرایط جامعه‌ی در حال گذار را داشته باشیم. شرایط گذار جامعه، با تزلزل در ارزش‌ها و هنجارهای جاافتاده همراه است

^۱ Song & Chang

^۲ International Labour Organization

که تبعات آن بر فرد و کل جامعه قابل تشخیص است. تزلزل ارزش‌ها و هنجارها، تأثیر مستقیمی بر وقوع ناهنجاری‌ها، آسیب‌ها، انحرافات، جرم و جنایت، اعتیاد و خودکشی - به مثابه مظاهر مختلف ناامنی - دارد. در واقع، افول سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی در حال گذار، بر گسترش ناامنی اجتماعی می‌افزاید (تقی‌لو، ۱۳۸۴: ۲۵۰). امروزه در جامعه‌ی جدید جهانی، تأکید بر مؤلفه‌های بیرونی کوتاه‌مدت و ناشی از کنترل‌های رسمی برای ایجاد امنیت کم‌رنگ شده است. بنابراین بر نظم ناشی از تعامل فرد با گروه‌ها و پیوندهای اجتماعی قوی و عاملیت فرد برای ایجاد امنیت، تأکید می‌شود؛ زیرا فراهم‌سازی این بستر برای امنیت، دوام و ماندگاری بلندمدتی دارد. به این سبب به نظر می‌رسد که این فرایند، نیاز به مکانیسم‌های پرخرج را برای کنترل رسمی کاهش می‌دهد. زندگی در جوامعی که سطح سرمایه‌ی اجتماعی در میان افراد آن‌ها بالاست، به هزینه‌های کم‌تری برای مراقبت از شهروندان نیاز دارد.

شهر کرمان به عنوان مرکز بزرگ‌ترین استان ایران، با جمعیتی بالغ بر پانصد هزار نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)، در جنوب شرقی ایران واقع شده است. با توجه به وسعت، تنوع گروه‌ها، قومیت‌ها، مذاهب و فرقه‌ها و قرار گرفتن استان کرمان در معرض عوامل متعدّد ناامنی از قبیل تنش‌های بین گروهی، نزاع‌های دسته‌جمعی، قاچاق کالا و موادّ مخدر و مسائل مربوط به آن و نیز وجود گروه‌های اشرار و تروریستی، ضرورت بررسی امنیت اجتماعی در این شهر دوچندان می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا بین سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت مدنی یا عضویت انجمنی، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای بده و بستان) و امنیت اجتماعی و ابعاد آن (امنیت عاطفی، جانی، اقتصادی و مالی) رابطه وجود دارد؟

پیشینه‌ی پژوهش

در این بخش، به پژوهش‌های داخلی و خارجی‌ای که به ارتباط سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی پرداخته‌اند، اشاره می‌شود.

پژوهشی در ایران نشان می‌دهد عوامل داخلی‌ای که امنیت اجتماعی را در منطقه‌ی جنوب شرق ایران و استان کرمان تهدید می‌کنند، عبارتند از: انزوای جغرافیایی، ظهور گرایش‌های سیاسی محلی‌گرا (مانند ظهور احزاب)، شکاف توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جنوب شرق

کشور، وجود گروه‌های تروریستی در این منطقه، قاچاق مواد مخدر و عدم کنترل دقیق مرزها، تنش‌سازی فرقه‌ای توسط گروه‌ها و افراد داخلی و ... (هداوند میرزایی، ۱۳۹۴).

بر پایه‌ی پژوهش بحری‌پور و همکاران (۱۳۹۱) که به بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی اختصاص دارد، بین ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی، شبکه‌ی مشارکت اجتماعی و آگاهی اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی شهروندان، تفاوت معناداری مشاهده شده ولی این تفاوت در بعد هنجار عمل متقابل دیده نشده است. در پژوهش شیخی و همکاران (۱۳۹۰) که با هدف بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در میان مادران کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر صورت گرفته، نشان داده شده که سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن با احساس امنیت اجتماعی، رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد. همچنین بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، ۳۸ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت اجتماعی، توسط سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن تبیین می‌شود.

ساروخانی و هاشم‌نژاد (۱۳۹۰)، تحقیقی با هدف بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی (مؤلفه‌های آن) و احساس امنیت اجتماعی در میان جوانان شهر ساری انجام و نشان داده‌اند که بین مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در پژوهش عباس‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) نیز که در آن به بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی پرداخته شده، نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داده که متغیر اعتماد اجتماعی (بین شخصی و نهادی) بالاترین تأثیر و متغیر مشارکت اجتماعی کم‌ترین تأثیر را بر امنیت اجتماعی داشته است.

در تحقیقی که باسیت و مور^۱ (۲۰۱۳) با هدف بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با سلامت روانی و افسردگی در کشور کانادا انجام داده‌اند، ابعاد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی مشتمل بر اعتماد عمومی، اعتماد به همسایگان و انسجام محلی^۲ و ابعاد ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی نیز مشتمل بر عضویت انجمنی و مشارکت در گروه‌ها ذکر شده است. نتایج رگرسیون لجستیک چندمتغیره نشان داده که ابعاد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی، علائم افسردگی را در بزرگسالان ساکن در شهر کاهش می‌دهد. پژوهش میریما^۳ و همکاران (۲۰۱۲) با هدف تجزیه و تحلیل چندسطحی اثر ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی بر سلامت جامعه در شهرستان‌های اطراف توکیو انجام شده و نتایج تحلیل

^۱ Bassett and Moore

^۲ Neighbourhood cohesion

^۳ Murayama

چندسطحی آن نشان داده عدم اعتماد نهادی که در سطح منطقه زیاد بوده، با سلامتی پایین مرتبط است اما عدم اعتماد بالا رابطه‌ی معکوسی با سلامت همسایگان داشته است. بر پایه‌ی یافته‌ها، اعتماد نهادی موجب افزایش سلامت می‌شود و اعتماد در میان همسایگان، سلامت ساکنان را کاهش می‌دهد.

پژوهش لوئیس بری و ویلش^۱ (۲۰۱۰)، با هدف توسعه‌ی هنجارهای مشارکت اجتماعی در جامعه‌ی استرالیا و بررسی روابط ابعاد ساختاری (مشارکت اجتماعی) و شناختی (انسجام اجتماعی) سرمایه‌ی اجتماعی با سه بعد از امنیت یعنی امنیت عمومی، روانی و فیزیکی انجام گردیده است. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داده سطوح بالایی از مشارکت با سطوح بالایی از انسجام اجتماعی و سه بعد امنیت رابطه داشته و با بعد امنیت روانی رابطه‌ی بیش‌تری مشاهده شده است. بر اساس نتایج تحقیق لیندستروم^۲ و همکاران (۲۰۰۳) که با هدف بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی و احساس ناامنی در سوئد انجام شده، عوامل محله‌ای ۷/۲ درصد از کل واریانس احساس ناامنی را پیش‌بینی می‌کرده است. با ورود متغیرهای زمینه‌ای به معادله‌ی رگرسیون، این اثر به ۷ درصد کاهش یافت.

یافته‌های پژوهش کاواچی^۳ و همکاران (۱۹۹۹) که در آن به بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های اجتماعی یعنی شاخص‌های محرومیت نسبی و سرمایه‌ی اجتماعی با شیوع جرائم در ایالات متحده‌ی آمریکا پرداخته شده، نشان داده است که عدم اعتماد بین فردی، به‌طور گسترده با جرم‌های خشونت‌آمیز و جرم و جنایات مربوط به اموال، رابطه‌ی معناداری در سطح ۰/۰۵ دارد. در مجموع، بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بین سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. البته رابطه‌ی بعد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی، بیش‌تر از رابطه‌ی بعد ساختاری آن با امنیت است.

مبانی نظری

امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می‌شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه، سازمان‌ها و دولت است. اکثر افراد جامعه به‌طور مستمر و در طول زندگی با این قلمروها روبرو می‌شوند و زندگی آن‌ها مستلزم ورود به این قلمروهاست. همه‌ی جوامع نیازهای اساسی غالباً

¹ Louise Berry and Welsh

² Lindstrom

³ Kawachi

مشترکی دارند که امنیت اجتماعی یکی از آن‌هاست (مولر^۱، ۲۰۰۰: ۱). از این رو، تمام تجربه‌های ناامنی موجود در زندگی مردم، در ذیل عنوان ناامنی اجتماعی قرار داده نمی‌شوند، بلکه ناامنی اجتماعی صرفاً شامل ناامنی‌هایی است که در نتیجه‌ی مشکلات اجتماعی به‌وجود می‌آیند؛ برای نمونه، بسیاری از ناراحتی‌های موجود در برخی مناطق که محصول جنگ و ترور است و زندگی را به شدت ناامن کرده، به‌طور مستقیم با مسائل و مشکلات اجتماعی مرتبط نیست و در نتیجه، به‌عنوان ناامنی با صفت «اجتماعی» تعریف نشده است. ناامنی اجتماعی از طریق بیکاری، فقر، جرم، جنایت، عدم مراقبت‌های اجتماعی و دیگر مشکلات اجتماعی ایجاد می‌شود (هامالینن، ۲۰۰۵: ۲).

امروزه امنیت، اهمیت فراوانی پیدا کرده و همه در زندگی اجتماعی برای امنیت اجتماعی و کاستن از نگرانی‌ها در تلاشند. در عین حال، معنای امنیت طیف نامشخصی را دربرمی‌گیرد (وایت^۲، ۱۹۴۴: ۲۱۲). آل ویور^۳ امنیت اجتماعی را به‌عنوان توانایی یک جامعه، به ثبات در برابر شرایط متغیر و تهدید واقعی و با تکیه بر الگوهای زبان، فرهنگ، تشکّل‌ها و هویت مذهبی و ملی تعریف می‌کند (مولر، ۲۰۰۰: ۲۷).

امنیت دارای مفاهیمی سهل و ممتنع است؛ از یک‌سو به‌کار بردن این واژه در گفتار مردم به صورت مکرر و گسترده که مراد از آن نوعی ایمنی در امور زندگی است، معنای سهل آن به‌شمار می‌آید و از سوی دیگر قرار گرفتن معنای آن در حوزه‌های گوناگون، متفاوت و مبهم است (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). درباره‌ی برخورداری از دو بُعد کمی و کیفی امنیت اجتماعی باید گفت بعد کمی به جسم واحد اجتماعی و بعد کیفی به روح این واحد توجه دارد. چون واحد اجتماعی برای زنده ماندن هم به جسم و هم به روح نیاز دارد، هر دو بعد باید در هر واحد اجتماعی تأمین شود (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۱۰۴). در این پژوهش، امنیت اجتماعی بر اساس چهار شاخص زیر بررسی می‌گردد:

۱. امنیت جانی: احساس فرد برای حفاظت از سلامت و زندگی خود در مقابله با تهدیدات بیرونی اعم از اجتماعی، محیطی و بهداشتی است که وجود و کیفیت سلامتی او را به خطر می‌اندازند (هزارجریبی و حامد، ۱۳۹۱: ۴۳)

¹ moller

² witte

³ Ole Waever

۲. امنیت مالی: تضمین دارایی‌های افراد از سرقت و اطمینان خاطری است که از تأمین نیازهای مادی و مالی خانواده حاصل می‌شود (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۹۴).

۳. امنیت اقتصادی: یعنی ایجاد نظم در اجزا و بخش‌های اقتصادی جامعه که افراد را از احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز، مصون دارد (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

۴. امنیت عاطفی: اطمینان از این که دیگران نیز ما را دوست دارند و در غم و شادی ما شریک هستند (عبّاس‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

بوردیو نخستین تحلیلگر معاصر است که به تحلیل سیستماتیک سرمایه‌ی اجتماعی پرداخت و این مفهوم را حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعل دانست که با در اختیار داشتن روابط نهادی بین افراد و عضویت در یک شبکه‌ی گروهی به وجود می‌آید (پورتس^۱، ۱۹۹۸: ۳). پاتنام در تعریف سرمایه‌ی اجتماعی، آن را ویژگی سازمان‌های اجتماعی مانند اعتماد، شبکه‌ها و هنجارها می‌داند که از طریق همکاری و اقدامات متقابل، می‌تواند بهره‌وری جامعه را بهبود بخشد (هاولینگین^۲، ۲۰۱۲: ۴۷۰). سرمایه‌ی اجتماعی به آن‌چه در ذات روابط اجتماعی وجود دارد، مربوط می‌شود (پورتس، ۱۹۹۸: ۷).

دیدگاه غالب در تحقیقات سرمایه‌ی اجتماعی، بر دو بعد ساختاری و شناختی تأکید دارد (کلمن، ۱۳۷۷؛ میچل و باسرت^۳، ۲۰۰۷؛ لوئیس بری و جنیفر^۴، ۲۰۱۰؛ باسیت و مور، ۲۰۱۳). بعد ساختاری متشکل از ارتباطات شبکه‌ای مانند شرکت در سازمان‌های داوطلبانه و بعد شناختی شامل نگرش به اعتماد و هنجارهایی از روابط متقابل است. به‌طور متناظر، عضویت انجمنی (برای مثال، تراکم عضویت) و اعتماد عمومی در مردم (برای مثال، اعتماد اجتماعی)، دو شاخص معمول برای ارتباط سرمایه‌ی ساختاری و سرمایه‌ی شناختی هستند (میچل و باسرت، ۲۰۰۷: ۵۰-۵۱). بر اساس نظریه‌ی کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی از چند بعد تشکیل شده است که عبارتند از:

۱. اعتماد اجتماعی: اعتماد را می‌توان حسن‌ظن فرد نسبت به افراد جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه می‌گردد. در این جا افراد جامعه، گستره‌ای از کسانی را که با فرد تعامل دارند یا بالقوه می‌توانند تعامل داشته باشند، شامل

¹ Portes

² Houwelingen

³ Mitchell and Bossert

⁴ Louise Berry and Jennifer

می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۲). در فضای مبتنی بر اعتماد، ابزارهایی چون زور و اجبار برای داد و ستدها، کارایی خود را از دست می‌دهند و در عوض، قصد افراد برای بازپرداخت‌ها و اعتقاد به درستکاری، افزایش می‌یابد. اعتماد در محیط کار، بازار و همه‌ی مبادلات را رونق می‌دهد.

۲. حمایت اجتماعی: حمایت اجتماعی را می‌توان قابلیت کیفیتی و ارتباط با دیگرانی که منابعی را به هنگام نیاز فراهم می‌آورند، تعریف کرد (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۵). کوهن^۱، حمایت اجتماعی را به سه شاخص تقسیم می‌کند؛ حمایت عاطفی که معمولاً شناخته‌ترین شکل حمایت اجتماعی است و از طرف خانواده و دوستان نزدیک صورت می‌گیرد؛ حمایت ابزاری که پشتیبانی به شکل پول، صرف وقت برای دیگران، کمک‌های عملی و سایر مساعدت‌ها را دربرمی‌گیرد و حمایت اطلاعاتی که شامل راهنمایی، مشاوره و پیشنهادهای اعضای شبکه است (پاترسون و همکاران، ۲۰۱۳: ۷۵۱).

۳. مشارکت مدنی و عضویت در انجمن‌ها: تراکم شبکه‌های روابط بین افراد و گروه‌ها، از مفاهیم کلیدی سرمایه‌ی اجتماعی است. سرمایه‌ی اجتماعی نمی‌تواند به واسطه‌ی عمل فی‌نفسه و مستقل افراد به وجود آید، بلکه وابسته به وجود انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی‌ای است که در اشکال متنوع و نوینی در ابعاد و فضاهای متنوع حیات اجتماعی نمود می‌یابند (غفاری، ۱۳۹۰: ۵۶). انجمن‌های داوطلبانه دارای آثار خردی چون ارائه‌ی فرصت برای عضویت در گروه‌های بزرگ‌تر، بسط روابط اجتماعی و شرکت فرد در تصمیم‌گیری‌ها هستند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴۲) و در عین حال آثار کلانی نیز برای جامعه دارند. این انجمن‌ها با کمک به بسیج آهسته، داوطلبانه و نسبتاً مداوم منابع در جامعه، زمینه‌ی اتصال هرچه بیش‌تر آن‌ها را به جامعه فراهم می‌آورند و مشارکت فرد را در امور اجتماعی افزایش می‌دهند (همان: ۲۹۰).

۴. شبکه‌ی اجتماعی: بر اساس شبکه‌ی تعاملات افراد، دو نوع شبکه‌ی اجتماعی قابل تمایز است؛ افرادی که شبکه‌های درون‌گرا، متجانس و کوچک دارند، سرمایه‌ی اجتماعی آن‌ها عموماً بر اعتماد و همکاری در یک شبکه‌ی مستحکم، استوار است اما فرصت دست‌یابی به اطلاعات یا کشف فرصت‌های کارآفرینی را از دست می‌دهند. افرادی که دارای شبکه‌های برون‌گرا، گوناگون و بزرگ هستند، به سرمایه‌ی اجتماعی مبتنی بر موقعیت‌های کارآفرینی دسترسی دارند اما آن‌ها نیز عموماً پیام‌های آمیخته و غیرشفاف، تداخل توقعات و تنش را تجربه می‌کنند (بیکر، ۱۳۸۲: ۷۹).

¹ Cohen

رشد شبکه‌ی اجتماعی می‌تواند موجب دسترسی به منابع اجتماعی، تقویت اعتماد به نفس و کاهش احساس تنهایی و حسّ تعلق به جامعه شود (کارنول و لیومان، ۲۰۱۳: ۱). احساس تنهایی و از خود بیگانگی در شهرها، تا حدّ زیادی به سبب وجود شبکه‌های ناقص و ضعیف اجتماعی است (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۷۷). چنانچه احساس تعلق افراد به جمع خصوصاً گروه‌های اوّلّیه‌ای چون خانواده و دوستان سست شود، این کاهش میزان روابط حمایتی را می‌توان نوعی اختلال رابطه‌ای تلقّی کرد که افراد را در مقابل شداید اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد.

۵. هنجارهای بده و بستان در قالب همکاری عمومی: اگرچه از هنجارهای بده و بستان به‌ندرت تعریفی ارائه شده است، این هنجارها اغلب به گستره‌ای از اشکال مبادله‌ی حمایت اجتماعی^۲ ارجاع دارند (فرلاندر، ۲۰۰۷؛ به نقل از امیرکافی، ۱۳۹۱: ۵۶). هنجارهای عمل متقابل بر مبنای مبادله‌ی بین افراد، طیف گسترده‌ای از پدیده‌های اجتماعی از جمله تأثیری را که بر نگرش افراد می‌گذارند، توضیح می‌دهند (چن^۳ و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۴). هنجارهای بده و بستان بر مبنای الگوی مبادله، علاوه بر نتایج عینی در روابط اقتصادی، به‌عنوان منبع تبادل احساسات و گسترش روابط اجتماعی بین افراد و گروه‌های اجتماعی عمل می‌کنند.

چارچوب نظری

رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و امنیّت اجتماعی

ارتباط سرمایه‌ی اجتماعی با امنیّت افراد، دارای ریشه‌ی تاریخی طولانی‌ای است. صد سال قبل، دورکیم نشان داد که بین انسجام اجتماعی و خودکشی رابطه وجود دارد (لاکتر^۴ و همکاران، ۱۹۹۹؛ تاجبخش، ۱۳۸۴؛ جردانو و لیندسترم^۵، ۲۰۱۰). از دیدگاه کلمن سرمایه‌ی اجتماعی، منابعی در روابط اجتماعی است که امکان رسیدن افراد یا جوامع را به اهداف مطلوب تسهیل می‌کند (میچل و باسرت، ۲۰۰۷: ۵۱). سرمایه‌ی اجتماعی که حاصل شکل‌گیری و استقرار ارزش‌ها، هنجارها، سنّت‌ها، عرف‌ها و قواعد به شیوه‌ای خودجوش و در بستری از روابط متقابل اجتماعی است، زمینه‌ساز همکاری، اعتماد و مشارکت فعال و مثبت افراد در زندگی اجتماعی است. بدین ترتیب، سرمایه‌ی اجتماعی با تأمین نوعی امنیّت معنایی برای فرد که به‌واسطه‌ی معنادهی سنّت‌ها،

¹ Cornwell & Laumann

² Form of exchange of social support

³ Chen

⁴ Lochner

⁵ Giordano & Lindstrom

ارزش‌ها و قواعد به زندگی افراد در جامعه حاصل می‌شود، فرد را از گرفتار آمدن در دامن ناهنجاری‌ها، انحرافات و جرم و جنایت به‌مثابه مظاهر ناامنی اجتماعی و مشارکت منفی در جامعه، مصون می‌دارد (تقی‌لو، ۱۳۸۴: ۲۳۹). کاواچی و همکاران او بر این باورند که سرمایه‌ی اجتماعی در چند مسیر متفاوت، با سلامت و امنیت جامعه مرتبط است. سرمایه‌ی اجتماعی با حمایت عاطفی به‌عنوان منبع اعتماد به نفس و احترام متقابل، افزایش امکان دسترسی به خدمات محلی و امکانات رفاهی، ارتقای رفتارهای سالم و به‌هنگار و اعمال کنترل اجتماعی بر رفتارهای انحرافی و انتقال اطلاعات، امنیت را فراهم می‌سازد (به نقل از لیندستروم و همکاران، ۲۰۰۶: ۴۸۰) و از وقوع جرم و جنایت جلوگیری می‌کند (کاواچی و همکاران، ۱۹۹۹: ۷۲۱).

سرمایه‌ی اجتماعی از ویژگی‌های گروه اجتماعی - و نه افراد- و تجربه‌ی مشترکی است که اعتماد و روابط متقابل را رواج می‌دهد؛ منبعی جمعی است که ممکن است در طی زمان تجمع پیدا کند و تحقق اهدافی را که در حالت عادی محقق نمی‌شوند، تسهیل نماید (شرت^۱، ۲۰۰۴: ۱۱). در تبیین رابطه‌ی علی میان سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی می‌توان گفت اگرچه سرمایه‌ی اجتماعی به‌مثابه قواعد راهنمای عمل در متن‌ها و موقعیت‌های مختلف اجتماعی، خود از مجرای رفتار متقابل افراد در طول زمان شکل می‌گیرد و تکوین می‌یابد، اما در جایگاه نهاد مستقر اجتماعی به صورت یک علت، به بروز رفتارهای خاصی مطابق با متن‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف می‌انجامد؛ چنان‌که افراد در صورت قرار گرفتن در چنین متن‌ها و موقعیت‌هایی، لاجرم واکنش‌هایی متناسب با آن از خود نشان می‌دهند. بدین ترتیب، می‌توان گفت سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان یک علت، رفتارهای هنجارمند را به‌عنوان معلول ایجاد می‌کند. از این رو، حفظ و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی به سبب افزایش رفتارهای هنجارمند، به صورت علی موجب تأمین امنیت اجتماعی یعنی کاهش ناهنجاری، جرم و جنایت، آسیب‌ها، انحرافات اجتماعی، اعتیاد، خودکشی و ... می‌شود (تقی‌لو، ۱۳۸۴: ۲۴۸). اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی از طریق مکانیسم‌های روانی و مشارکت اجتماعی از طریق مکانیسم‌های پشتیبانی، به تقویت امنیت منجر می‌گردد (جردانو و لیندستروم، ۲۰۱۰: ۷۰۸). با افزایش ارتباط غیررسمی، تعامل مدنی و مشارکت سیاسی، احتمال بیش‌تری وجود دارد که افراد از احساس تعلّق بیش‌تر، حمایت عینی، لذّت بردن از صرف وقت با دیگران، افزایش اعتماد اجتماعی و روابط متقابل تعمیم‌یافته، برخوردار شوند (لویس بری و ولش: ۲۰۱۰: ۵۹۴).

¹ Shortt

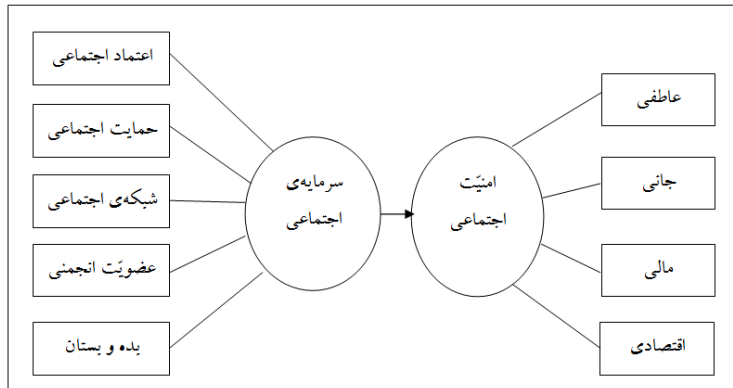
سرمایه‌ی اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و مشارکت اجتماعی به‌عنوان مکانیسمی در جهت کاهش انزوای اجتماعی عمل می‌کند (جردانو و لیندسترم، ۲۰۱۰: ۷۰۱). از سوی دیگر، شبکه‌ی اجتماعی از طریق اشتراک‌گذاری منابع اطلاعات، منابع در روابط بین افراد و ایجاد حمایت ضمنی، زمینه‌ی سلامت عمومی جامعه را فراهم می‌آورد.

سامپسون^۱ (۱۹۹۷)، از نظریه‌پردازان رویکرد اجتماعی، معتقد است که وجود ارزش‌های مشترک مستحکم، کنترل پیوندهای اجتماعی قوی، انسجام اجتماعی بالا و سرمایه‌ی اجتماعی در میان ساکنان مناطق و محلات شهرها می‌تواند موجب توسعه‌ی احساس امنیت در افراد شود. در مقابل، اگر در محلات شهرها، کنترل‌های اجتماعی به‌ویژه کنترل‌های غیررسمی، پیوندهای اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی تضعیف شوند، قطعاً شرایط احساس ناامنی در افراد افزایش خواهد یافت. به نظر او، در فضایی اجتماعی که مقررات و پیوندهای اجتماعی با ابهام مواجه است و مردم نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد هستند و تعاملی با همدیگر ندارند، احساس امنیت وجود نخواهد داشت (بیات، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

جامعه‌شناسان، سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را از طریق تحلیل هنجارها و شبکه‌های درون و بین گروه‌ها و سازمان اجتماعی، مورد توجه قرار داده‌اند. به نظر آن‌ها، هنجارهای مشترک و شبکه‌های گروهی و اجتماعی به افراد کمک می‌کنند که به قدرت بیشتری دست یابند؛ در فرایند تصمیم‌گیری سهم‌گیر شوند؛ منازعات خود را حل کنند و در نهایت، محیط مساعدی را برای تسهیل فعالیت‌های جمعی فراهم سازند (غفاری، ۱۳۹۰: ۵۳).

بر اساس مدل مندرج در نمودار شماره‌ی یک، فرضیه‌های تحقیق طراحی شده است.

^۱ Sampson



نمودار شماره‌ی یک- مدل تحلیلی

بر اساس نمودار فوق، مدل تحلیلی نشان می‌دهد سرمایه‌ی اجتماعی که از ابعاد اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، شبکه‌ی اجتماعی، عضویت انجمنی و هنجارهای بده و بستان تشکیل شده است، بر امنیت اجتماعی که مشتمل بر ابعاد امنیت عاطفی، جانی، اقتصادی و مالی است، اثر می‌گذارد.

بر پایه‌ی مدل تحلیلی، پژوهش حاضر در پی آن است که با استفاده از داده‌های جمع‌آوری‌شده، به فرضیه‌های زیر پاسخ دهد.

فرضیه‌ی کلی:

- بین سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی، رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های جزئی:

- بین اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی، رابطه وجود دارد.

- بین حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان، رابطه وجود دارد.

- بین شبکه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان، رابطه وجود دارد.

- بین عضویت انجمنی و امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان، رابطه وجود دارد.

- بین هنجارهای بده و بستان و امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان، رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تبیینی و از نوع پیمایش است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز پرسش‌نامه همراه با مصاحبه بوده است. در این بخش به تعریف مفاهیم، جامعه و نمونه‌ی آماری تحقیق و سپس اعتبار و روایی ابزار سنجش پرداخته می‌شود.

تعریف مفاهیم

امنیت اجتماعی: این امنیت که بر الگوهای هویت‌بخش و ایجاد تعلق جمعی تأکید دارد، دارای دو بعد عینی و ذهنی است و طیف وسیعی از قلمرو زندگی فرد را دربرمی‌گیرد. در این پژوهش، چهار بعد امنیت عاطفی، جانی، اقتصادی و مالی برای سنجش امنیت اجتماعی در نظر گرفته شده و برای سنجش این ابعاد، پرسش‌نامه‌ای متشکل از ۳۶ گویه طراحی گردیده است. امنیت جانی توسط شاخص‌هایی چون قدم زدن در مسیر خلوت، تنها ماندن در خانه، تردد با ماشین‌های مسافرکش شخصی در شب و ... سنجش شد. امنیت مالی با شاخص‌هایی در سطح فردی مانند نداشتن دزدگیر، رها کردن اتومبیل در خیابان و آگاه نمودن دیگران از میزان ثروت و درآمد خود و امنیت عاطفی نیز با شاخص‌هایی چون اطمینان از روابط چهره به چهره با غریبه‌ها و تبادل عاطفه، محبت، هم‌دردی و صمیمیت با دیگران، اندازه‌گیری گردید (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۵). امنیت اقتصادی نیز شامل اطمینان از نظم در بخش‌های اقتصادی جامعه است که احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان امکانات اساسی و مورد نیاز فرد را کاهش می‌دهد (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۱۶۶)؛ مانند اطمینان از سرمایه‌گذاری در اموری چون زمین و مسکن و اعتماد به سرمایه‌گذاری دولت در زمینه‌های تولیدی و اقتصادی.

سرمایه‌ی اجتماعی: سرمایه‌ی اجتماعی، منبعی اجتماعی-ساختاری دارد که دارایی و سرمایه‌ی افراد محسوب می‌شود. این دارایی شیء واحدی نیست، بلکه ویژگی‌هایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و موجب می‌شود افراد با سهولت بیش‌تری به کنش اجتماعی وارد شوند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). در پژوهش حاضر، سرمایه‌ی اجتماعی با تأکید بر سطوح فردی و جمعی و اشکال ساختاری و شناختی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اعتماد اجتماعی: فوکویاما (۲۰۰۰)، معتقد است اعتماد اجتماعی، انتظار متقابلی است که طرفینی که وارد معامله می‌شوند، سودی از آسیب رساندن به یکدیگر به‌دست نمی‌آورند. هم‌چنین افراد قابل اعتماد، افرادی هستند که به تعهدات خود عمل می‌کنند و این اعتماد، زمانی که امکان

ایجاد روابط بر مبنای قراردادهای رسمی نیست، بسیار ارزشمند است (پاپانیس و بومیلیتو^۱، ۲۰۰۷: ۱). در تحقیق حاضر، سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته مورد سنجش قرار گرفته است.

حمایت اجتماعی: کاب^۲، حمایت اجتماعی را به‌عنوان باور شخص مبنی بر این که فردی مهم، دوست‌داشتنی، محترم و باارزش و متعلق به شبکه‌ای از ارتباطات و تعهدات مشترک تلقی می‌شود، تعریف می‌کند (پاترسون و همکاران، ۲۰۱۳: ۷۵۱). در واقع، حمایت اجتماعی نوعی احساس ذهنی تعلق داشتن، مورد قبول واقع شدن و مورد محبت و دل‌بستگی قرار گرفتن را شامل می‌شود. در پژوهش حاضر طبق تئوری کوهن، بر حمایت عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی تأکید می‌گردد.

شبکه‌ی اجتماعی: فرد معمولاً در عضویت گروه‌های اولیه‌ای چون خانواده و گروه دوستان است که در مرکز شبکه‌ای از روابط عاطفی، صادقانه‌تر و پایدارتر قرار دارد و برای هر فردی درجات مختلفی از عشق، علاقه و حمایت را دربرمی‌گیرد.

مشارکت مدنی یا عضویت انجمنی: عضویت در گروه‌های ثانویه و انجمن‌های داوطلبانه نظیر سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌ها و نهادهای اداری، در حلقه‌های بعدی روابط جای می‌گیرد و شبکه‌ای از ارتباطات را در اختیار افراد قرار می‌دهد.

بده و بستان: این مفهوم در قالب گویه‌هایی چون کمک‌های مالی، کمک در هنگام بیماری، انجام کارها، گوش دادن به درد دل و کمک به حل مشکلات خود فرد یا دیگران، سنجیده می‌شود؛ یعنی کمک‌ها و حمایت‌هایی که فرد نسبت به دیگران انجام داده یا از آن‌ها دریافت کرده است.

جامعه و نمونه‌ی آماری

بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت شهر کرمان ۵۱۵۱۱۴ نفر است. جامعه‌ی آماری تحقیق، همه‌ی ساکنان بالای ۱۸ سال شهر کرمان است که از این تعداد، بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر سنی بالای ۱۸ سال دارند. با سطح اطمینان ۹۵ درصد بر اساس فرمول کوکران، نمونه‌ای معادل ۳۸۴ نفر انتخاب گردید. نمونه‌گیری بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است؛ بدین صورت که ابتدا خوشه‌ها انتخاب و سپس تعداد بلوک‌ها شماره‌گذاری شدند. پس از مشخص گردیدن

^۱ Papanis & boumeliotou

^۲ Cobb

بلوک‌های انتخابی، از میان اعضای خانوارهای هر بلوک، تنها یک عضو انتخاب شد و در نهایت با ابزار پرسش‌نامه به شیوه‌ی خود اجرا، اطلاعات جمع‌آوری گردید.

اعتبار و روایی

برای تعیین اعتبار و روایی ابزار سنجش، ابتدا گویه‌های هر متغیر همراه با شاخص‌های آن مشخص و در قالب پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته تنظیم شد و در اختیار استادان دانشگاه قرار گرفت. برای تعیین اعتبار صوری، نظرات آن‌ها درباره‌ی قابلیت سنجش و رعایت نکات نگارشی، در پرسش‌نامه اعمال گردید. برای سنجش پایایی شاخص‌ها، در دو مرحله، آزمون مقدماتی (۳۰ نفر) و آزمون نهایی (۳۸۴ نفر) صورت گرفت. نتایج آزمون‌هایی که در آن‌ها آلفای کرونباخ محاسبه گردید، در جدول شماره‌ی یک آمده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد ضرایب محاسبه‌شده در حد قابل قبولی هستند.

جدول شماره‌ی یک- نتایج تحلیل روایی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (N=۳۸۴)

ردیف	متغیرهای مستقل و وابسته	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
۱	امنیت عاطفی	۷	۰/۵۶
۲	امنیت جانی	۶	۰/۷۷
۳	امنیت اقتصادی	۹	۰/۸۲
۴	امنیت مالی	۱۴	۰/۹۰
۵	اعتماد بین شخصی	۷	۰/۸۴
۶	اعتماد نهادی	۱۷	۰/۸۹
۷	اعتماد تعمیم‌یافته	۶	۰/۷۰
۸	حمایت عاطفی	۱۲	۰/۸۲
۹	حمایت ابزاری	۹	۰/۷۵
۱۰	حمایت اطلاعاتی	۹	۰/۷۸
۱۱	شبکه‌های اجتماعی	۷	۰/۶۷
۱۲	مشارکت مدنی یا عضویت انجمنی	۹	۰/۷۹
۱۳	بده و بستان	۱۹	۰/۷۹

یافته‌های پژوهش

توصیف متغیرها

یافته‌ها نشان داد که ۵۷/۶ درصد از پاسخ‌گویان، زن و ۴۱/۵ درصد مرد هستند. دامنه‌ی سنی پاسخ‌گویان بین ۱۸ تا ۶۵ سال و میانگین سنی آن‌ها نیز ۳۱/۱۱ سال است. بر اساس وضعیت تأهل، ۳۶/۷ درصد از پاسخ‌گویان مجرد و ۶۳/۳ درصد متأهل بوده، به لحاظ تحصیلات نیز ۱/۱ درصد بی‌سواد، ۱/۷ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۴/۹ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۳۵/۱ درصد دیپلم، ۱۶/۴ درصد فوق دیپلم، ۳۴/۲ درصد لیسانس و ۶/۶ فوق لیسانس و بالاتر هستند. از نظر وضعیت شغل، ۲۲/۱ درصد دانشجو، ۴۶/۳ درصد شاغل، ۱۹/۸ خانه‌دار، ۳/۵ درصد بازنشسته و ۸/۳ درصد بیکارند. مدت اقامت پاسخ‌گویان در شهر بین ۱ تا ۴۵ سال است و بر اساس وضعیت منزل مسکونی، ۵۵/۶ درصد صاحب‌خانه، ۳۴ درصد مستأجر، ۲/۲ درصد دارای منزل سازمانی و ۸/۳ درصد نیز مشمول سایر موارد هستند. از نظر میزان درآمد، ۲۱ درصد از پاسخ‌گویان کم‌تر از ۳۰۰ هزار تومان، ۱۷/۵ درصد بین ۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۱۹/۱ درصد بین ۵۰۱ تا ۷۰۰ هزار تومان، ۲۱/۴ درصد بین ۷۰۱ تا ۹۰۰ هزار تومان، ۸/۶ درصد بین ۹۰۱ تا یک میلیون و صد هزار تومان و ۱۲/۵ درصد بالاتر از یک میلیون و صد هزار تومان، درآمد دارند.

متغیر وابسته

در این تحقیق، امنیت اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته، در ۳۶ گویه و در قالب طیف لیکرت با امکان پاسخ‌گویی کاملاً موافق، موافق، در حد متوسط، مخالف و کاملاً مخالف، مورد بررسی و سنجش قرار گرفته که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره‌ی دو- آماره‌های توصیفی امنیت اجتماعی (متغیر وابسته)

میانگین	واریانس	انحراف معیار	حداقل نمرات	حداکثر نمرات
۱۰۸/۰۸	۴۹۶/۸۹	۲۲/۲۹۱	۳۶	۱۸۰

جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان، معادل ۱۰۸/۰۸ است. هم‌چنین تفاوت حداقل و حداکثر نمرات و تعداد گویه‌ها نشان‌دهنده‌ی آن است که میزان امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان در حد متوسط است.

آزمون فرضیات

جدول شماره‌ی سه- آزمون هم‌بستگی رابطه‌ی متغیرهای مستقل با امنیت اجتماعی (متغیر وابسته)

متغیر وابسته متغیرهای مستقل	امنیت اجتماعی	سطح معناداری
اعتماد بین شخصی	۰/۱۵۰	۰/۰۲۶
اعتماد نهادی	۰/۲۳۸	۰/۰۰۱
اعتماد تعمیم‌یافته	۰/۲۵۰	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی (شاخص کل)	۰/۲۶۳	۰/۰۰۰
حمایت عاطفی	۰/۲۶۸	۰/۰۰۰
حمایت ابزاری	۰/۲۴۶	۰/۰۰۰
حمایت اطلاعاتی	۰/۰۷۵	۰/۲۷۰
حمایت اجتماعی (شاخص کل)	۰/۲۱۲	۰/۰۰۳
عضویت در انجمن‌ها و شبکه‌ها	۰/۰۸۵	۰/۲۲۲
شبکه‌ی اجتماعی	۰/۲۲۱	۰/۰۰۱
هنجارهای بده و بستان	-۰/۰۷۷	۰/۲۷۲
سرمایه‌ی اجتماعی (شاخص کل)	۰/۲۷۸	۰/۰۰۱

نتایج جدول شماره‌ی سه نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین از بین ابعاد اعتماد، اعتماد تعمیم‌یافته دارای قوی‌ترین رابطه با امنیت اجتماعی است. از دیگر نتایج آزمون هم‌بستگی آن بوده که بین حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی، رابطه‌ی معنادار و مثبتی وجود دارد. از میان ابعاد حمایت، دو بعد حمایت عاطفی و ابزاری رابطه‌ی معناداری با متغیر وابسته دارند ولی بین حمایت اطلاعاتی و امنیت اجتماعی، هیچ رابطه‌ی معناداری دیده نشده است. همچنین بین شبکه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. از دیگر نتایج، آن است که عضویت انجمنی پاسخ‌گویان و هنجارهای بده و بستان، رابطه‌ی معناداری با امنیت اجتماعی ندارند.

تحلیل رگرسیون

در این بخش می‌کوشیم با بهره‌گیری از رگرسیون چندمتغیره، تأثیر گام به گام متغیرهای مستقل را بر امنیت اجتماعی بررسی کنیم.

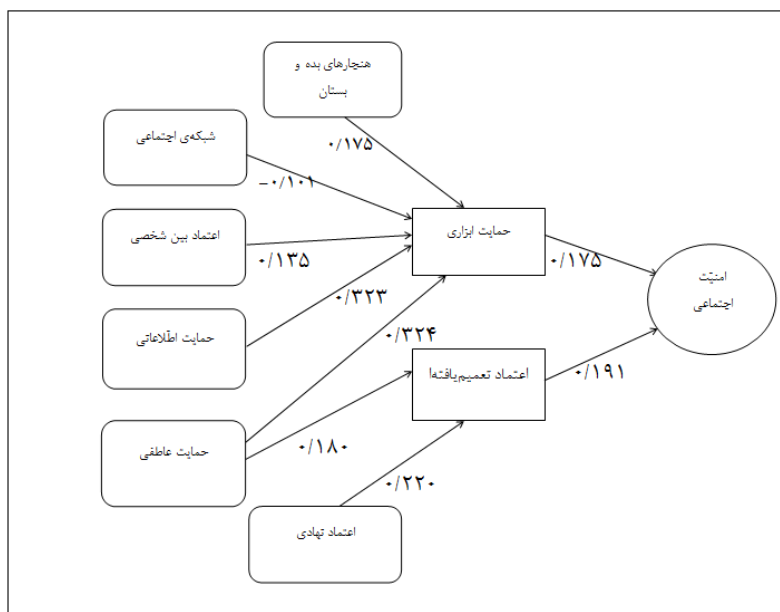
جدول شماره‌ی چهار- خلاصه‌ی مدل رگرسیون چندمتغیره‌ی امنیت اجتماعی به روش گام به گام

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ²	مقدار R ² افزوده شده نسبت به مرحله‌ی قبل	Beta	F	مقدار t	سطح معناداری
اول	اعتماد تعمیم‌یافته	۰/۲۶۳	۰/۰۷	-	۰/۲۲۲	۲۵/۳۴	۴/۲۱۵	۰/۰۰۰
دوم	حمایت ابزاری	۰/۳۲۳	۰/۱۷	۰/۱۰	۰/۱۹۲	۱۹/۷۹	۳/۶۵۱	۰/۰۰۰
F = ۱۹/۷۹ Sig F = ۰/۰۰۰			R ² = ۰/۱۷		R = ۰/۳۲۳			

نتایج مندرج در جدول شماره‌ی چهار نشان می‌دهد که معادله‌ی رگرسیونی در دو مرحله انجام می‌شود. مقدار R در مرحله‌ی دوم در جدول مذکور برابر با ۰/۳۲۳ و مقدار R² نیز در این مرحله برابر با ۰/۱۱ است که بیانگر آن است که ۱۷ درصد از تغییرات امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان توسط متغیرهای مستقل (اعتماد تعمیم‌یافته و حمایت ابزاری) تبیین می‌گردد. در مرحله‌ی دوم مقدار افزوده شده بر R² برابر با ۰/۱۰ است که در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار است. البته عدم ورود متغیرهای خارج از معادله به معنای کم‌اهمیت بودن آن‌ها نیست، بلکه به دلیل وجود هم‌بستگی بین متغیرهای خارج از معادله و متغیرهای درون معادله است؛ زیرا در روش مرحله به مرحله، هدف انتخاب بهترین متغیرها یا متغیر برای پیش‌بینی است.

تحلیل مسیر

در تحلیل مسیر، تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مشخص می‌شود. تحلیل مسیر بر اساس فرض ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته و مفروضات تحلیل رگرسیون چندمتغیره است.



نمودار شماره‌ی دو- تحلیل مسیر متغیرهای مستقل بر امنیت اجتماعی

همان‌گونه که نمودار شماره‌ی دو نشان می‌دهد امنیت اجتماعی، متغیر وابسته و متغیرهای دیگر نیز متغیر مستقل هستند. تحلیل مسیر زیر، نوع اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که از بین ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی، دو بعد حمایت ابزاری و اعتماد تعمیم‌یافته، بیش‌ترین رابطه را با امنیت اجتماعی دارند و دارای اثر مستقیم بر آن هستند.

جدول شماره‌ی پنج- نتایج تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر امنیت اجتماعی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
اعتماد بین شخصی	-	۰/۰۲	۰/۰۲
اعتماد نهادی	-	۰/۰۴	۰/۰۴
اعتماد تعمیم‌یافته	۰/۱۹	-	۰/۱۹
حمایت عاطفی	-	۰/۰۹	۰/۰۹
حمایت ایزاری	۰/۱۷	-	۰/۱۷
حمایت اطلاعاتی	-	۰/۰۵	۰/۰۵
شبکه‌ی اجتماعی	-	-۰/۰۲	-۰/۰۲
عضویت انجمنی	-	-	-
هنجارهای بده و بستان	-	۰/۰۳	۰/۰۳

حال اگر با توجه به نتایج جدول شماره‌ی پنج، مجموعه‌ی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را بنگریم، از میان متغیرهای مستقل در اثرگذاری کل متغیر، اعتماد تعمیم‌یافته دارای بیش‌ترین تأثیر (برابر با ۱۹ درصد) بر امنیت اجتماعی است و حمایت ایزاری با ۱۷ درصد اثر مستقیم، در رتبه‌ی دوم قرار دارد. هم‌چنین بر اساس نتایج، عضویت انجمنی دارای هیچ اثر مستقیم یا غیرمستقیمی بر امنیت اجتماعی نیست. اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته، حمایت عاطفی، ایزاری و اطلاعاتی و نیز هنجارهای بده و بستان دارای اثر مثبت هستند و شبکه‌ی اجتماعی اثر منفی و غیرمستقیم دارد.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد، امنیت اجتماعی مبین حالتی است که درک افراد از آن به‌هنجار باشد و نیز شرایطی است که احساس تهدید و نگرانی در فرد ایجاد نشود. بر این اساس، مطابق با نتایج تحقیق، میزان امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان در حد متوسطی قرار دارد.

بررسی رابطه‌ی دو به دوی متغیرهای مستقل (شامل اعتماد اجتماعی و ابعاد آن، حمایت اجتماعی و ابعاد آن، عضویت انجمنی، شبکه‌ی اجتماعی و هنجارهای بده و بستان) با امنیت اجتماعی نشان می‌دهد که از بین متغیرهای ساختاری (مشارکت مدنی و عضویت انجمنی و شبکه‌ی اجتماعی)، مشارکت مدنی و عضویت انجمنی رابطه‌ی معناداری با امنیت اجتماعی ندارد. اما بین شبکه‌ی اجتماعی و متغیر وابسته، رابطه‌ی معناداری دیده می‌شود. هم‌چنین از میان

متغیرهای شناختی (اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی و هنجارهای بده و بستان)، بعد اعتماد و حمایت اجتماعی با متغیر وابسته، رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد ولی بین شاخص همکاری بده و بستان و امنیت اجتماعی، رابطه‌ی معناداری دیده نمی‌شود. نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد متغیر اعتماد تعمیم‌یافته و حمایت ابزاری دارای اثر مستقیم و متغیرهای اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی، حمایت عاطفی و اطلاعاتی، شبکه‌ی اجتماعی و هنجارهای بده و بستان دارای اثر غیرمستقیم بر امنیت اجتماعی هستند.

نتایج به‌دست آمده از تحقیق حاضر که بیانگر رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی است، مَهر تأییدی بر مبانی نظری رابطه‌ی این دو متغیر است و با نتایج تحقیق بحری‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، شیخی و همکاران (۱۳۹۰)، ساروخانی و هاشم‌نژاد (۱۳۹۰)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) و لوئیس بری و ویلش (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد.

همان‌گونه که در مباحث نظری آمده است، سرمایه‌ی اجتماعی با ارائه‌ی حمایت عاطفی، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای بده و بستان و اعتماد اجتماعی می‌تواند امنیت اجتماعی را افزایش دهد. در این پژوهش ثابت شد که حمایت ابزاری و اعتماد تعمیم‌یافته، بیش‌ترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان کرمان دارند. بنابراین اگر بتوان تنها این دو بعد سرمایه‌ی اجتماعی را افزایش داد، می‌توان امنیت بیش‌تری انتظار داشت. از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد اگر ارتباطات غیررسمی، تعامل مدنی و اعتماد اجتماعی افزایش یابد، شهروندان تعلق بیش‌تر و حمایت عینی‌تری را احساس می‌کنند و می‌توانند به دیگران اعتماد داشته باشند و از صرف وقت با دیگران لذت برند که این امر در احساس امنیت اجتماعی مؤثر است.

منابع

۱. اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۷) «اجتماعات محلی؛ راه و چاره‌ی ارتقای امنیت اجتماعی در کلان‌شهرها»، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، سال چهاردهم، شماره‌ی ۵، صص ۱۲۵-۱۴۳.
۲. امیرکافی، مهدی (۱۳۹۱) «بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر شادکامی»، فصلنامه‌ی راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال دوم، شماره‌ی ۵، صص ۴۱-۷۷.
۳. _____ (۱۳۸۰) «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، نمایه‌ی پژوهش، شماره‌ی ۱۸، صص ۱۰-۴۲.
۴. بحری‌پور، عباس؛ ذوالفقاری، ابوالفضل و رستگار خالد، امیر (۱۳۹۱) «بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی (مطالعه‌ی موردی شهرستان کاشان)»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره‌ی ۴، صص ۸۹-۱۰۹.
۵. بیات، بهرام (۱۳۸۸) «تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی؛ با تأکید بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه‌ی اجتماعی»، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۳۵، صص ۱۱۵-۱۳۲.
۶. بیکر، واین (۱۳۸۲) مدیریت و سرمایه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی مهدی الوانی و محمدرضا ربیعی مندجین، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۷. تاجبخش، کیان و همکاران (۱۳۸۴) سرمایه‌ی اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
۸. تقی‌لو، فرامرز (۱۳۸۴) «بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با امنیت اجتماعی»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره‌ی ۲، صص ۲۳۹-۲۵۷.
۹. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران، نی.
۱۰. ساروخانی، باقر و نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵) «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران»، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره‌ی ۲۲، صص ۸۷-۱۰۶.
۱۱. ساروخانی، باقر و هاشم‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۰) «بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی (مؤلفه‌های آن) و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری»، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره‌ی ۲، صص ۸۱-۹۴.
۱۲. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۵) سرمایه‌ی اجتماعی: مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری، ساری: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران.

۱۳. شیخی، محمدتقی؛ کمالی، افسانه و جهان‌آرای، ثریا (۱۳۹۰) «رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی در میان مادران کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر»، *فصلنامه‌ی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی*، شماره‌ی ۸، صص ۳۷-۶۷.
۱۴. عباس‌زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمدباقر و اسلامی، رضا (۱۳۸۹) «بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی»، *نشریه‌ی دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی (علوم اجتماعی)*، سال چهاردهم، شماره‌ی ۳۲-۳۳، صص ۱۳۷-۱۶۹.
۱۵. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰) *سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت انتظامی*، تهران: جامعه‌شناسان.
۱۶. کلمن، جیمز (۱۳۷۷) *بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.
۱۷. نبوی، سید عبدالحسین؛ رضادوست، کریم و بهرامی‌نژاد، زهرا (۱۳۸۹) «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت عمومی سالمندان»، *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۴، صص ۷۳-۱۰۴.
۱۸. هداوند میرزایی، محراب (۱۳۹۴) «بررسی عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران و نقش طوایف بلوچ در برقراری امنیت»، *هشتمین کنگره‌ی انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی، انسجام و اقتدار ملی*.
۱۹. هزارجریبی، جعفر و حامد، محبوبه (۱۳۹۱) «رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در میان شهروندان تهرانی»، *فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی*، شماره‌ی ۱۲، صص ۳۱-۵۸.
۲۰. هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۹۰) «بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی»، *فصلنامه‌ی نظم و امنیت انتظامی*، سال سوم، شماره‌ی ۳، صص ۱۵۷-۱۸۴.
21. Bassett, Emma and Spencer Moore (2013) Social capital and depressive symptoms: The association of psychosocial and network dimensions of social capital with depressive symptoms in Montreal, Canada, **Social Science & Medicine**, 86, pp. 96-102.
22. Bilgin, Pinar (2003) Individual and Societal Dimensions of Security, **International Studies Review**, 5, pp: 203-222.
23. Chen, Ya-Ru; Chen, Xiao-Ping and Portnoy, Rebecca (2009) To whom do positive norm and negative norm of reciprocity apply? Effects of inequitable offer, relationship, and relational-self orientation, **Journal of Experimental Social Psychology**, 45, pp. 24-34.
24. Cornwell, Benjamin and Laumann, Edward O (2013) The health benefits of network growth: New evidence from a national survey of older adults, **Social Science & Medicine**, xxx, pp. 1-13.
25. Giordano, Giuseppe N and Lindstrom, Martin (2010) The impact of changes in different aspects of social capital and material conditions on self-rated health over time: A longitudinal cohort study, **Social Science & Medicine**, 70, pp. 700-710.
26. Hamalainen, Juha (2004/2005) Social Insecurity and Social Exclusion: Old and New Challenges for Social Policy and Social Work, **JUC Journal of Social work; Theory& Practice**, Journal Issue 10.

27. Houwelingen, Pepijn van (2012) Neighborhood Associations and Social Capital in Japan, **Urban Affairs Review**, 48 (4), PP. 467-497.
28. International Labour Organization (2001) **Social Security**, The International Labour Conference adopted the Resolution and Conclusio concerning Social Security.
29. Kawachi, Ichiro; Kennedy, Bruce P and Richard G. Wilkinson (1999^b) Crime: social disorganization and relative deprivation, **Social Science & Medicine**, 48, pp.719-731.
30. Lindstrom, Martin ; Merlo, Juan and Per-Olof . Ostergren (2003) Social capital and sense of insecurity in the neighbourhood: a population-based multilevel analysis in Malm. o, Sweden, **Social Science & Medicine**, 56, pp. 1111-1120.
31. Lochner, Kimberly; Kawachi, Ichiro and Kennedy, Bruce P (1999) Social capital: a guide to its measurement, **Health & Place**, 5, pp. 259-270.
32. Louise Berry, Helen& Welsh, Jennifer A (2010) Social capital and health in Australia: An overview from the household, income and labour dynamics in Australia survey, **Social Science & Medicine**, 70, PP. 588-596.
33. Mitchell, Andrew David and Bossert , Thomas J (2007) Measuring dimensions of social capital: Evidence from surveys in poor communities in Nicaragua, **Social Science & Medicine**, 64, pp. 50-63.
34. Moller, Bjorn (2000) **National, Societal and Human Security Discussion case study**, First International Meeting of Directors of Peace Research and Training Institutions on What Agenda for Human Security in the Twenty-first Century? UNESCO, Paris.
35. Murayama, Hiroshi; Wakui, Tomoko; Arami, Reiko; Sugawara, Ikuko and Satoru Yoshie (2012) Contextual effect of different components of social capital on health in a suburban city of the greater Tokyo area: A multilevel analysis, **Social Science & Medicine**, 75, pp. 2472- 2480.
36. Papanis, Efstratios and Roumeliotu, Myrsine (2007) Can Social Trust and Participation be Reinforced Throuth Education? Empirical Data from Greese, **Journal of Education and Human Development**, Vol. 1, Issue 2.
37. Portes, Alejandro (1998) Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology, **Annual Review of Sociology**, Vol. 24, pp. 1-24.
38. Shortt, S. E. D (2004) Making sense of social capital, health and policy, **Health Policy**, 70, pp. 11-22.
39. Song, Lijun and Chang, Tian-Yun (2012) Do resources of network members help in help seeking? Social capital and health information search, **Social Networks**, 34, 658- 669.
40. Witte, Edwin E (1944) What to Expect of Social Security, **The American Economic Review**, Vol. 34, No. 1, Part 2, Supplement, Papers and Proceedings of the Fifty-sixth Annual Meeting of the American Economic Association, pp. 212-221.